

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی-پژوهشی

سال هشتم-شماره چهارم-زمستان ۱۳۹۴-شماره پیاپی ۳۰

استقبال از قطعه رودکی در سبک‌های مختلف ادب فارسی

(ص ۱۶۰-۱۴۷)

مریم محمودی^۱، مهناز تاکی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۲/۲۸

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: ۱۳۹۴/۱۱/۲۱

چکیده

استقبال و نظیره‌گویی و پیروی از یک قالب، قافیه و وزن شعری در طول ادوار شعر فارسی همواره وجود داشته است. رودکی نخستین شاعر بزرگ ادب فارسی است که شعر او بدلیل تنوع مضامین، لطافت و متانت و انسجام و تازگی از همان آغاز مورد توجه شاعران و سرایندگان قرار گرفته است. یکی از اشعار او که در طول یک هزاره در سبک‌های مختلف مورد توجه واقع شده قطعه دو بیتی زیر است:

کسی را چو من دوستگان می چه باید؟ که دل شاد دارد به هر دوستگانی
نه جز عیب چیزی است کان تو نداری نه جز غیب چیزی است کان تو ندانی
در این نوشتار استقبال شاعران از این قطعه از قدیم‌ترین ادوار یعنی زمان شاعر تا دوره معاصر نشان داده شده است.

کلمات کلیدی: قافیه، بحر متقارب، رودکی، قطعه، استقبال، سبک.

^۱ دانشجوی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان m.mahmoodi75@yahoo.com

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

- مقدمه

«استقبال» در اصطلاح ادب آن است که شاعری، شعر شاعری دیگر را سرمشق قرار دهد و با تقلید وزن و قافیه آن شعری که اصطلاحاً به آن «نظیره» گفته میشود بسازد. جلال‌الدین همایی در اینبار مینویسد: «استقبال آن است که گفته یکی از اساتید سخن را سرمشق قرار بدهند و به همان وزن و قافیت شعر بسازند» (همایی: ۲۵۲) و از نظر میمنت میر صادقی: «استقبال که به آن تتبع (به دنبال رفتن) نیز میگویند در قالبهای غزل و قصیده معمول است» (میر صادقی: ۱۳).

آنچه در استقبال مورد توجه شاعران قرار میگیرد در بیشتر موارد قالب، بحر و وزن و قافیه و ردیف یکسان و در مواردی موضوع، مضمون و صنایع لفظی و معنوی واحد است. شاعران در استقبال انگیزه‌های متفاوتی دارند؛ از جمله: تفنن و سرگرمی، اظهار فضل و خودنمایی، حسادت و عداوت، پاسخ به درخواست ممدوح و تجدید سبک و بازگشت به سبکهای مورد قبول پیشین.

استقبال که در ادب فارسی سابقه‌ای طولانی دارد؛ از قدیمیترین ادوار تا دوره معاصر رواج داشته است. این اصطلاح با اصطلاحات دیگری مانند نظیره گوئی، جواب گوئی، اقتدا، اقتفا و تتبع تا حدی برابر است. تتبع و نظیره‌گوئی در قالبهای مختلف شعری با موضوعات متنوع و در بین شاعران صاحب دیوان و صاحب سبک تا شاعران نه‌چندان مشهور متداول بوده است.

در تاریخ ادب فارسی دوره سامانی از ادوار مهم محسوب میشود. شعرهایی که از این دوره به دست ما رسیده است بسیار ارزشمند و گرانسنگ است زیرا «شاعران توانایی مانند رودکی و ابوشکور بلخی و شهید به تشویق امیران ایراندوست سامانی و وزیران ادب پرور آنان شعر فارسی را بر مبنایی استوار و مستحکم نهاده بودند، بطبع کسانیکه در دورانه‌های بعد شاعری پیشه میکردند بسوی استادان سلف نظر داشتند و طبع و قریحه خود را با خواندن شعرهای شیوای آنان پرورش میدادند و از آثار ایشان آنچه را که در نظرشان زیبا و دلپذیر مینمود استقبال میکردند و با تضمین شعرشان بر رونق آثار خود می‌افزودند» (محبوب، ۱۰۸).

ابوعبدالله جعفر بن محمد رودکی سمرقندی شاعر بزرگ و سرآمد عصر سامانی است که شعر او در ادوار مختلف مورد توجه بوده است. در ادب فارسی شاعران بسیاری متأثر از مضامین و شعر رودکی بوده‌اند و از اشعار وی اقتفا و استقبال داشته‌اند در میان گویندگان ادوار مختلف کمتر شاعری را میتوان یافت که از نفوذ کلام و قدرت بیان او به دور مانده باشد. این اقتباسها یا جنبه تکاملی دارد یعنی شاعران اقتباسگر مضمون را بگونه‌ای بهتر پرداخته‌اند یا سیر قهقرای و انحطاطی داشته است. در توجیه استقبالهای فراوان از شعر رودکی مرحوم نفیسی معتقد است: «شعر رودکی در ذهن هر شاعر بزرگ ایرانی بوده است و در حکم مطردات و بدیهیات نخستین بشمار میرفته و اگر شعرای دیگر همان مضامین را آورده‌اند چیزی از شوون ایشان نمیکاهد بلکه ثابت میکند که در آثار اسلاف

تتبع داشته اند» (نفیسی: ۴۵۱). نقش رودکی در برپایی بنای عظیم و رفیع شعر و ادب فارسی آشکار است و همه کسانی که در عرصه شعر فارسی گام نهاده‌اند هر یک بگونه‌ای مرهون او هستند. یکی از اشعار رودکی که همچون بسیاری از ابیات و اشعار او مورد توجه و استقبال شاعران در سبکهای مختلف قرار گرفته است و هر کدام به‌نوعی به تبعیت از او اشعاری را سروده‌اند قطعه‌ای است در مرثیت شهید بلخی متشکل از دو بیت:

کسی را چو من دوستگان می چه باید؟ که دل شاد دارد به هر دوستگانی
نه جز عیب چیزی است کان تو نداری نه جز غیب چیزی است کان تو ندانی
(رودکی، دیوان: ۱۱۴)

قطعه قالبی است که برای بیان موضوعات مختلف از جمله پند و اندرز، هجو و طنز، ذم و مدح و مرثیه و... بکار میرود و غالباً به یک موضوع اختصاص دارد. رودکی در زمره قطعه‌سرایان مهم و معروف نیمه اول قرن چهارم قرار دارد.

موضوع اصلی این قطعه مرثیه است. مرثیه از موضوعاتی است که در بیشتر قالبها از قبیل قصیده و قطعه و غزل و رباعی دیده میشود. مرثی باقیمانده از رودکی نشان از مهارت او در سرایش این نوع ادبی دارد. مرثیه خوب «آن است که اگر کسی آن متوفی را شناسد و از خصال او آگاه نباشد دل بر وی بسوزاند. رودکی در این باب توانا تر از اقران خویش است» (نفیسی، ۴۴۰)

این قطعه در بحر متقارب سروده شده است. متقارب بحری است که وزن اصلی آن بر تکرار چهار بار فعلون در هر مصراع (هشت بار در بیت) قرار گرفته است و این وزن اصلی را متقارب مثنی سالم (نا کاسته) میگویند. درباره وزن متقارب عموماً اعتقاد بر این است که این وزن مانند وزن رباعی اصلاً یک وزن ایرانی است که از اشعار یازده هجایی پهلوی تحت تأثیر عروض عرب و یا حتی بدون تأثیر آن پدیدار گشته است. بدین ترتیب پیشینه بحر متقارب را در ادبیات زبانهای ایرانی پیش از اسلام میتوان یافت.

خاورشناس روس کراچکوفسکی در مقدمه دیوان ابوالفرج الوراق دمشقی شاعر عرب که در ۱۹۱۴ منتشر کرده است در اشعار تازی که در دوره بنی‌امیه سروده‌اند تحقیق کامل کرده و همه اوزان را معلوم کرده و به این نتیجه رسیده است که چون در میان این اشعار بحر خفیف و بحر متقارب و بحر رمل دیرتر آشکار میشود پیداست که اعراب این سه بحر را از ایرانیان گرفته‌اند.

بحر متقارب مانند بحرهای هزج، خفیف، سریع و رمل از بحرهایی است که از همان دوره نخستین شعر عروضی فارسی رواج کامل داشته است. این بحر نه تنها برای سرودن داستانهای حماسی چون شاهنامه فردوسی، گرشاسپ‌نامه اسدی طوسی، برزو نامه، بهمن نامه، کورش نامه و دیگر منظومه‌های حماسی بکار رفته است، بلکه در منظومه‌های عاشقانه چون وامق و عذرا، سرخ بت و خنگ بت، هردو از عنصری بلخی، یوسف و زلیخا از شاعری امانی نام و ورقه و گلشاه از عیوقی نیز

بکار رفته است. اسکندرنامه نظامی، بوستان سعدی، خردنامه جامی، همای و همایون خواجو، اردیبهشت سروش اصفهانی، خداوند نامه صبا کاشانی از دیگر نمونه سروده‌ها در بحر متقارب هستند.

موارد تتبع شاعران از قطعه رودکی در سبکهای مختلف

- سبک خراسانی

استقبال و تتبع بین شاعران همعصر و هم سبک بسیار رواج داشته است و به مجابات بین آنها منجر شده است. رقابت و منافست در این جواب گویی تاثیر بسیار داشته است؛ بخصوص آنکه شعر مورد نظر سروده ارزشمند شاعری گرانقدر چون رودکی باشد. بهمین دلیل اولین نمونه‌های استقبال از قطعه رودکی در بین شاعران همعصر و هم سبک او دیده میشود.

دقیقی طوسی شاعر معاصر و هم سبک رودکی قطعه‌ای دارد در وزن و قافیه قطعه او با سرآغاز:
ز دو چیز گیرند مر مملکت را یکی پرنیانی یکی زعفران
(دقیقی، دیوان: ۲۵)

این قطعه در نه بیت و با موضوع پند و اندرز سروده شده است.
شاعر دیگری که دویست سال پس از مرگ رودکی در سال ۴۲۹ ه. ق وفات یافت فرخی سیستانی است. او هم از این وزن و قافیه در قالب قصیده بهره گرفته است و در شعری ۴۸ بیتی در مدح ابو احمد محمد بن محمود بن ناصرالدین سروده است:

به من بازگرد ای چو جان و جوانی که تلخ است بی تو مرا زندگانی
(فرخی، دیوان: ۳۶۹)

شاعر در این قصیده در بیت ۲۰ میگوید:
ز فضل و هنر چیست کان تو نداری ز علم و ادب چیست کان تو ندانی
که به بیت دوم رودکی شبیه است.

باز فرخی در جای دیگر در قصیده‌ای ۳۷ بیتی و شاد و عاشقانه در مدح سلطان مسعود میسراید:
خوشا عاشقی خاصه وقت جوانی خوشا با پرچهرگان زندگانی
(همان: ۳۹۲)

شاعر در بیت ۱۳ میگوید:
نبینی دل جنگ او هیچ کس را تو بنمای گر هیچ دیدی و دانسی
که بی ارتباط با بیت دوم شعر رودکی نیست.

اما گویا این وزن و قافیه آنقدر در ذهن و زبان شاعر خوش نشسته که باز در قصیده‌ای دیگر و این بار با ۴۳ بیت و در مدح امیرمحمد ولیعهد سلطان محمود با این بیت آغاز کرده:

دلم مهربان گشت بر مهربانی کشی دلکشی خوش لبی خوش‌زبانی
(همان: ۳۸۲)

شاعر در بیت سیزدهم این قصیده بیت دوم قطعه رودکی را تضمین کرده است:
کسی را چو من دوستگان می چه باید که دل شاد دارد به هر دوستگانی
دهقان سیستانی مدیحه‌سرا، از مدح سلطان محمود فروگذار نکرده و باز با همین وزن و قافیه
قصیده‌ای ۴۴ بیتی در لغز آتش سده و مدح یمین الدوله سلطان محمود غزنوی سروده است:
یکی گوهری چون گل بوستانی نه زر و به دیدار چون زر کانی
(همان: ۳۶۳)

عنصری بلخی شاعر قرن پنجم هجری و از نمایندگان برجسته سبک خراسانی که رودکی را استاد و
خود را شاگرد و پیرو او میدانند، از این وزن و قافیه در قالب قصیده بهره گرفته است و شعری در ۳۶
بیت در مدح سلطان مسعود غزنوی سروده با سرآغاز:
شه مشرق و شیر زابلستانی خداوند اقران و صاحب قرانی
(عنصری، دیوان: ۲۷۷)

منوچهری دامغانی شاعر دیگر قرن پنجم هجری و معاصر فرخی سیستانی این وزن و قافیه را
پسندیده و چنین طبع‌آزمایی کرده است:
جهانا چه بی‌مهر و بدخو جهانی چو آشفته بازار بازارگانی
(منوچهری، دیوان: ۱۱۶)

این قصیده در ۶۶ بیت و در مدح علی بن عمران سروده شده است. شاعر در این قصیده که با وصف
ناپایداری دنیا و توصیه به دل‌نستن و بیزاری از دنیا آغاز کرده است، در اثنای ابیات خود از چند
شاعر عرب نام میبرد و با حسن طلبهای زیبا و متعدد، از بخششهای پادشاهان عرب و صله‌هایی که
به شاعران مدیحه‌سرا پرداخت کرده‌اند سخن میگوید. منوچهری در دو بیت آخر شعر خود به این
نکته اشاره میکند که این بیت را به وزن شعر ابو الشیخ اعرابی باستانی سروده است و بیت او را
تضمین کرده و میسراید:

بر آن وزن این شعر گفتم که گفته ست ابوالشیخ اعرابی باستانی
«أشاقک و اللیل ملقی الجران غراب ینوح علی غصن بان»

البته صرف‌نظر از تفاوت‌هایی که بین عروض عربی و فارسی وجود دارد و مجال بحث و بررسی آن در
این نوشتار نیست، میتوان گفت که در دوران زندگی شاعر، استفاده از لغات عربی و به‌تبع سرودن
ابیات به زبان عربی متداول بوده و جزو افتخارات شاعران محسوب میشده است. بنابراین شاید شاعر
به شعر رودکی توجه داشته و به سرودن شعر نظیر او واقف بوده است اما برای افتخار و به‌نوعی به

رخ کشیدن اطلاعاتش از شعر شاعران عرب و مفاخره بدان تبعیت شعرش را از شعر ابو الشیص بیان داشته است.

قطران تبریزی نیز با قصیده‌ای ۴۰ بیتی در مدح ابونصر مملان این قطعه را استقبال کرده است :
دهد روی آن سرو سیمین نشانی ز ماهی که بر سرو سیمین نشانی
(قطران تبریزی، دیوان: ۳۸۶)

و در جای دیگر قصیده‌ای با ۶۲ بیت در مدح ابونصر جستان در همین وزن و قافیه سروده است:
خریدم به دل دلبری رایگانی که هست او به جان و به دل رایگانی
(همان: ۳۷۹)

ناصر خسرو قبادیانی شاعر دیگر سبک خراسانی شعری با این مطلع میگوید:
جهانا مرا خیره مهمان چه خوانی که تو میزبانی نه بس نیک خوانی
(ناصر خسرو، دیوان: ۵۹۴)

که این شعر هم در قالب قصیده و در ۵۰ بیت در موضوع ناپایداری جهان و توصیه به دل نبستن به دنیا سروده شده است.

در قرن ششم هجری امیرمعزی در قالب سبک خراسانی در این وزن و قافیه به موضوع مدح وارد شده و در سه قصیده از این قطعه استقبال کرده است. یکی به مطلع:
شهنشه ملک شاه الب ارسلائی جهان را خداوند صاحب قرانی
(امیر معزی، دیوان: ۶۱۲)

در مدح سلطان ملک شاه و در ۳۱ بیت و دیگر قصیده‌ای ۴۱ بیتی در مدح سید الروسا معین الملک با مطلع:

دلّم چون دهان کرد کوچک دهانی تنم چون میان کرد نازک میانی
(همان: ۴۵۶)

همچنین در قصیده‌ای دیگر با ۳۱ بیت در مدح سلطان با مطلع :
آیا شهریاری که صاحب قرانی ز جد و پدر یادگار جهانی
(همان: ۶۰۴)

معزی در بیت ۹ این قصیده مصراعی از دقتی را تضمین کرده است و میگوید:
تو این مملکت رایگانی نداری «فلک مملکت کی دهد رایگانی»
علاوه بر آن شاعر در ابیات ۲۰ و ۲۱ خود، تبعیتش از شعر رودکی را بیان داشته و میگوید:
یکی بیت نغز است مر رودکی را که اندر جهان تو سزاوار آنی
نه جز عیب چیزی است کان تو نداری نه جز عیب چیزی است کان تو ندانی

– سبک بینابین یا سبک عهد سلجوقی

هرچند این دوره در تاریخ ادب فارسی از جهت توسعه و تکامل شعر تفاوت چندانی با دوره قبل ندارد اما بدلیل نوآوری و تنوع طلبی برخی از شاعران زمینه تغییر سبک درسالهای بعد فراهم شد. سنایی از بزرگترین شاعران این عهد است که در قصیده‌ای ۴۴ بیتی که به موضوعی زاهدانه اختصاص دارد به اقتضای قطعه رودکی رفته است:

بمیر ای حکیم از چنین زندگانی کزین زندگانی چو مُردی بمانی
(سنایی، دیوان: ۶۷۵)

علاوه بر آن شاعر از این وزن و قافیه در قالب قطعه هم بهره برده و با سرودن دو بیت با موضوع رثا گفته است:

اگر بدگمان گشتی ای دوست بر من نیازم از تو بدین بدگمانی
ز خود ایمنم زان که عیبی ندارم ز تو ایمنم زان که عیبی ندانی
عبدالواسع جبلی در قالب قصیده با موضوع مدح شمس الدوله قطب الدین میر میران منکبه سپهسالار در ۲۳ بیت سروده است:

ایا قطب دین میر میران تو آنی که جیحون عطایی و گردون توانی
(جبلی، دیوان: ۷۵)

شاعر در این قصیده در بیت سوم میگوید:
نه جز عیب چیز است کان تو نداری نه جز غیب علم است کان تو ندانی
و در بیت نوزدهم سروده است:

چو در مجلس او تو حاضر نبودی فرستاد نزدیک تو دوستگانی
که تبعیتش از شعر رودکی را نشان میدهد.

انوری، نماینده کامل سبک دوره سلجوقی، از این وزن و قافیه فقط در قالب قطعه بهره گرفته است. یکبار در قطعه‌ای هشت بیتی در هجو سیف‌الدین سروده است:

تو ای سیف، رنگ اجل چون نگیری که الحق به انواع در خورد آنی
(انوری، دیوان: ۱۲۰)

و بار دیگر با استفاده از این وزن و قافیه و قالب در موضوع موعظه، با سرودن دوازده بیت طبع‌آزمایی کرده با مطلع:

هر آن گه که چون من نیایم نخوانی چنان باشد ایدون که آیم برانی
(همان: ۱۲۳)

- سبک عراقی

مختصات اصلی سبک عراقی غزل و عرفان است. مفاهیم عرفانی که که از قرنهای پیشین بویژه قرن ششم در شعر فارسی مورد توجه خاص قرار گرفته بود در سبک عراقی و در آثار عطار و مولوی به اوج خود میرسد. اصلیت‌ترین قالب شعری در این سبک غزل است. این دو مشخصه در تتبعات شاعران از قطعه رودکی بخوبی آشکار است.

استاد سخن سعدی شیرازی درغزلی چهارده بیتی در موضوع پند و اندرز به استقبال قطعه رودکی رفته و سروده است:

اگر لذّت ترک لذّت بدانی دگر شهوت نفس، لذّت نخوانی
(سعدی، کلیات: ۸۰۸)

خواجوی کرمانی هم در قالب غزل از این وزن و قافیه تبعیت کرده و در غزلی که در یازده بیت در موضوع ناپایداری دنیا سروده است چنین میگوید:

بدینسان که از ما جهانی جهانی که با کس نمایی و با کس نمایی
(خواجوی کرمانی، دیوان: ۴۹۵)

کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی دیگر شاعر سبک عراقی در قالب قطعه و در نوزده بیت با موضوع مدح صاحب نظام‌الدین گفته است:

به جان‌آفرینی که نزدیک علمش ز پیدا تفاوت ندارد نهانی
(کمال‌الدین اسمعیل، دیوان: ۵۵۵)

همچنین در قصیده‌ای در مرثیه صدرالدین محمود در ۴۵ بیت بر آن وزن و قافیه سروده است:
دریغ که پژمرده شد ناگهانی گل باغ دولت به‌روز جوانی
(همان: ۴۱۵)

مجد همگر قطعه ای ۴۲ بیتی در جواب حسان ثانی سروده است با این سرآغاز:
اگرچه عمادی ز دریای خاطر نکرده ست تقصیر در درفشانی
(مجد همگر، دیوان: ۸۳۰)

ابن یمین هم قصیده ۳۶ بیتی خود را با موضوع مدح این گونه آغاز میکند:
الا ای نسیم سحر گر توانی قدم رنجه کن یک سحر بی‌توانی
(ابن یمین، دیوان: ۱۶۱)

سلمان ساوجی شاعر قرن هشتم هجری در قصیده‌ای که با وصف جوانی و بهار آغاز کرده است به مدح شاه دوندی در ۳۴ بیت میپردازد و میگوید:

بهار و نگار و شراب و جوانی کسی را که باشد زهی زندگانی
(سلمان ساوجی، دیوان: ۲۳۶)

و در جای دیگر باز در قالب قصیده در ۲۷ بیت در مرثیه میر قاسم میسراید:
دریغا که خورشید روز جهانی چو صبح دوم بود کم زندگانی
(همان: ۲۴۰)

همچنین در قصیده‌ای دیگر در مرثیه شیخ زاهد در ۴۹ بیت گفته است:
دریغا که باغ بهار جوانی فرو ریخت از تن‌دباد خزانگی
(همان: ۲۴۳)

شاعر در این قصیده در بیت ۳۳ میگوید:
شها نیک دانی تو قدر جهان را تو خود در جهان چیست کانرا ندانی
که استقبال از بیت دوم شعر رودکی را نشان میدهد. اما گویا این وزن و قافیه چنان برای شاعر زیبا و دل‌نشین بوده که در قالب غزل هم طبع آزمایی کرده؛ در غزلی مناجات گونه از او میخوانیم:
رسولا خدا را به جاییکه دانی چه باشد که از من دعایی رسانی
(همان: ۴۰۷)

قاسم انوار نیز از این وزن و قافیه پیروی کرده است و در ده بیت و در موضوع مدح رسول اکرم (ص) غزلی سروده است با مطلع:
تو محبوب جانی و جان جهانی فدای تو صد عمر و زندگانی
(قاسم انوار، دیوان: ۳۱۱)

- مکتب وقوع و واسوخت

بیان حالات عشق و عاشقی از روی واقع و به نظم درآوردن آنچه میان عاشق و معشوق میگذرد مشخصه اصلی مکتب وقوع است. محتشم کاشانی، نماینده این مکتب در مطلع قصیده‌اش در مدح محمدخان ترکمان با نگاهی به قطعه رودکی آورده است:

بیای رسول از در مهربانی به من یاری ای کن چو یاران جانی
(محتشم کاشانی، کلیات: ۳۵۴)

واسوخت نوعی از وقوع گویی است و به شعری گفته میشود که مضمون اصلی آن اعراض از معشوق باشد. وحشی بافقی، مبتکر واسوخت از وزن و قافیه قطعه رودکی در قالب قصیده‌ای ۶۵ بیتی با ذکر تغزلی در وصف پاییز و پس از آن با موضوع مدح امام علی (ع) تبعیت کرده و گفته است:
چه در گوش گل گفت باد خزانگی که انداخت از سر کلاه کیانی
(وحشی بافقی، دیوان: ۵۳۵)

- دوره بازگشت

این دوره را «سبک عکس العمل و تتبع» گفته‌اند. (شمیسا: ۳۰۷) بسیاری از اشعار این دوره به اقتضای اشعار قدما بویژه شاعران سبک خراسانی سروده شده است. در بین شاعران این دوره فروغی بسطامی غزل دوازده بیتی وعاشقانه خود را در استقبال قطعه رودکی اینگونه آغاز میکند:

سر راهش افتادم از ناتوانی وزین ضعف کردم بسی کامرانی
(فروغی بسطامی، دیوان: ۱۵۵)

سروش اصفهانی در قصیده‌ای ۳۵ بیتی در مرثیه قهرمان میرزا سروده است:

جوان مرگ شاها در یغ از جوانی دریغ آن بر و بازوی پهلوانی
(سروش اصفهانی، دیوان: ۶۵۷)

ابونصر فتح‌الله شیبانی دیگر شاعر دوره بازگشت این وزن و قافیه را در قالب قصیده‌ای چهارده بیتی با موضوع فتح هرات و مدح حسام السلطنه، بکاربرده با سرآغاز:

نپاید جهان ای پسر جاودانی برو گرد کن توشه آن جهانی
(دیوان بیگ، حدیقه الشعرا: ۹۳۳)

پروین اعتصامی شاعر معاصر از همین وزن و قافیه با سرودن دو شعر تبعیت کرده؛ یکبار در قصیده‌ای که در ۶۱ بیت با موضوع پند و اندرز سروده است:

بسوز اندر این تیه ای دل نهانی مخواه از درخت جهان سایه بانی
(پروین اعتصامی، دیوان: ۱۱۰)

و بار دیگر در قطعه‌ای هشت بیتی با موضوع ناتوانی میگوید:

جوانی چنین گفت روزی به پیری که چون است با پیریت زندگانی
(همان: ۴۵۱)

ملک الشعرای بهار که از نظر قالب و سبک به سبک خراسانی بسیار رغبت دارد، از این وزن و قافیه دو بار و هر دو مورد در قالب قصیده استفاده کرده است. یکبار در قصیده‌ای با عنوان شمار گیتی در ۷۷ بیت چنین میسراید:

جهاننا چه مطبوع و خرم جهانی دریغا که بر خلق نا جاودانی
(بهار، دیوان: ۵۱۶)

شاعر در این قصیده به بیان نکاتی چند از اسرار خلقت و عظمت جهان لایتناهی و اقوال گوناگون حکما درباره آن میپردازد. بهار در بیت هفتم اشاره ای به مصراع رودکی دارد و میگوید:

به علم این شمر یافت مردم نتاند که بیرون علم است این غیب دانی

علاوه بر آن در بیت یازدهم با نگاهی به بیت دقیقی طوسی که در استقبال قطعه رودکی سروده شده آورده است:

گهی سبز بیند گهی زرد بیند گه اسپید و گه سرخ و گه زعفرانی
و در بیت ۷۵ این قصیده، شاعر میگوید:

برندت شبانروز هر جای مهمان کشی از کف دوستان دوستگانی
که به بیت اول شعر رودکی نظر دارد. اما او قصیده‌ای دیگر هم در ۲۲ بیت با عنوان خصم خرد در موضوع مذمت میخواری و مفاسد آن دارد با مطلع:

مخور تا توانی می اندر جوانی می اندر جوانی مخور تا توانی
(همان: ۵۱۳)

بیت چهارم این قصیده چنین است:

گناه است و جهل است و بیماری تن چه یک دوستگانی چه دو دوستگانی

- نتیجه گیری:

پرداختن به نظیره گوئیها و تتبعات شاعران و مقایسه آنها بایکدیگر نتایج زیر را در بر دارد:

۱- استقبالهای شاعران از یکدیگر در شناخت سبک شعری آنها موثر است و نشان میدهد کدامیک از سبکها در تاریخ ادبیات فارسی بیشتر مقبول بوده است.

۲- نظیره گوئی قدرت و توانایی شاعران را در بیان مفاهیم یکسان نشان میدهد و نگرش آنان را به زندگی مینمایاند. همچنین معیار و محکی برای تعیین قدرت خلاقیت و نوآوری شاعران به دست میدهد.

۳- دقت در ترکیبات تازه و مصطلحات رایج عصر هر شاعر به نوعی جامعه شناسی ادبی منجر میشود. زیرا شاعران هر عصر به منزله یک گروه اجتماعی زبان و اصطلاحات خاص خود را دارند و به برخی از موضوعات و مفاهیم بیشتر اهمیت میدهند. در استقبالهای شاعران از قطعه رودکی این مساله کاملاً مشهود است بطوریکه در سبک خراسانی غلبه با اشعار مدحی است و قالب مسلط قصیده است اما در سبک عراقی تمایل شاعران بیشتر به موضوعات غیر مدحی از قبیل مفاهیم زاهدانه و عرفانی و توصیف طبیعت است. در این سبک غزل قالب مسلط است.

۴- زبان شاعران در بیان مطلب از نظر انسجام (روانی) یا تکلف تتبعات آنها بهتر آشکار میشود..

۵- علوم رایج هر عصر و انعکاس آن در شعر در نظیره گوئیها بیشتر نمایان میشود.

۶- اقتباس یک شاعر یا سخنور از شاعر یا سخنوری دیگر باعث شکل گیری سبک اقتباسی میشود. (ر.ک. فرشیدورد، درباره ادبیات و نقد ادبی، ج ۲، ص ۶۸۴) هیچ شاعر یا نویسنده‌ای نمیتواند خود را

برکنار از میراث‌های ادبی گذشتگان و معاصران بداند. حتی در کلام سخندانان صاحب سبک نیز عناصر اقتباسی دیده می‌شود. مقایسه تتبعات و نظیره‌گوییها حد و اندازه و کیفیت این اقتباسها را مشخص میکند و ارزش ادبی آنها را نشان میدهد.

بررسی استقبالیهای شاعران از قطعه رودکی نشان داد که وزن و قافیه این شعر مقبول طبع شاعران در یک وسعت هزارساله قرار گرفته است و نزدیک به ۲۵ شاعر در قالب شعری و سبکهای مختلف و با تعداد ابیات و با موضوعات متنوع از آن تبعیت کرده‌اند. آثار متبیین گویای آن است که تتبعات بیشتر در قرنهای نزدیک به عصر رودکی و در بین شاعران سبک خراسانی و نیز دوره بازگشت ادبی بوده است.

از نظر قالب، قطعه دو بیتی رودکی، در همه سبکها بیشتر در قالب قصیده مورد تتبع قرار گرفته است و شاعرانی مانند فرخی سیستانی، عنصری، منوچهری، قطران تبریزی، ناصر خسرو، امیر معزی، سنایی، عبد الواسع جبلی، کمال الدین اصفهانی، ابن یمین، سلمان ساوجی، وحشی بافقی، محتشم کاشانی، سروش اصفهانی، فتح اله شیبانی، پروین اعتصامی و ملک الشعرا بهار در قالب قصیده طبع آزمایی کرده‌اند. برخی در همان قالب قطعه شعر سروده‌اند مانند دقیقی توسی، سنایی غزنوی، انوری، کمال الدین اسماعیل اصفهانی، مجد همگر و پروین اعتصامی. با ظهور و رونق غزل در سبک عراقی برخی مانند سعدی، خواجه کرمانی، سلمان ساوجی، قاسم انوار و فروغی بسطامی، از شعر رودکی با این قالب شعری استقبال کرده‌اند.

شاعران عمدتاً از این قالب قصیده در موضوع مدح بهره برده‌اند، شاعرانی مانند فرخی سیستانی (با چهار قصیده مدحی)، عنصری، منوچهری، قطران تبریزی، امیر معزی، عبد الواسع جبلی، کمال الدین اسماعیل، ابن یمین، سلمان ساوجی، وحشی بافقی، محتشم کاشانی، قاسم انوار، فتح اله شیبانی. برخی نیز در موضوع مرثیه شعر سروده‌اند که با موضوع شعر رودکی تناسب دارد مانند کمال الدین اسماعیل، سلمان ساوجی و سروش اصفهانی. از این میان تنها پروین اعتصامی و دقیقی توسی به پند و اندرز پرداخته‌اند و بقیه مضامینی مانند عشق و ناپایداری دنیا و... را در اشعار خود مطرح کرده‌اند.

روند تحولاتی را که در شعر فارسی در طول این هزاره شکل گرفته است در شعر این شعرا میتوان دید. شاعرانی که در سبک خراسانی شعر سروده‌اند بیشتر به مدح توجه داشته‌اند به جز ناصر خسرو که به لحاظ توجه به اخلاق در اشعارش به ناپایداری جهان اشاره داشته است. شکلگیری تدریجی عرفان در قرن ششم در شعر سنایی و توجه به درونگرایی و توصیف روح در بدن و اشاره به «موتوا قبل أن تموتوا» نمودار میگردد. شکلگیری و رواج غزل را از شعر شعرای قرن هفتم و هشتم میتوان دریافت. برگشت و توجه به قالب قصیده و مدیحه سرایی را از شعر شاعران دوره بازگشت میتوان

فهمید و در دوره معاصر و ظهور مشروطه توجه به پند و اندرز، نمادین شدن برخی واژه‌های بکار رفته در اشعار و دیدی دیگرگونه و متفاوت به واژه‌ها داشتن و نامگذاری اشعار، قابل ملاحظه است. براساس آنچه گفته شد معلوم میشود که این قطعه رودکی مانند بسیاری از اشعار او از جمله قصیده دندانیه بارها و بارها مورد استقبال و تقلید واقع شده است. در بیشتر این استقبالات علاوه بر اقتدای صوری (وزن وقافیه) روح سبک رودکی نیز حفظ شده است. این امر جایگاه خاص او را در شعر و ادب فارسی نشان میدهد.

فهرست منابع

۱. بررسی منشأ وزن شعر فارسی، وحیدیان کامیار، تقی، ۱۳۹۰، مشهد: به نشر.
۲. حدیقه الشعراء، دیوان بیگی شیرازی، سید احمد، تصحیح عبدالحسین نوایی، ۱۳۶۵، تهران: زرین.
۳. درباره ادبیات و نقد ادبی، فرشیدورد، خسرو، ج ۲، ۱۳۸۲، تهران: امیرکبیر.
۴. دیوان، بهار، محمد تقی، بکوشش مهرداد بهار، جلد ۱، ۱۳۸۰، تهران: انتشارات توس.
۵. دیوان، پروین اعتصامی، ۱۳۹۱، اصفهان: انتشارات کیاراد.
۶. دیوان، دقیقی توسی، ابو علی، تصحیح سید محمد دبیر سیاقی، ۱۳۴۲، تهران: موسسه مطبوعات علمی.
۷. دیوان، سروش اصفهانی، به اهتمام محمد جعفر محبوب، جلد ۱، ۱۳۴۰، تهران: امیر کبیر.
۸. دیوان، سلمان ساوجی، سلمان بن محمد، تصحیح عباسعلی وفایی، ۱۳۸۹، تهران: سخن.
۹. دیوان، سنایی غزنوی، ابوالمجد، تصحیح محمد تقی مدرس رضوی، ۱۳۸۵، تهران: انتشارات سنایی.
۱۰. دیوان، قطران تبریزی، تصحیح محمد نخجوانی، ۱۳۶۲، تهران: ققنوس.
۱۱. دیوان، ناصر خسرو قبادیانی، ابومعین، از روی نسخه تقی زاده، ۱۳۶۸، تهران: نشر چکامه.
۱۲. دیوان، وحشی بافقی، تصحیح حسین نخعی، ۱۳۸۸، تهران: امیر کبیر.
۱۳. دیوان، ابن یمین فریومدی، تصحیح حسینعلی باستانی‌راد، ۱۳۴۴، تهران: انتشارات کتابخانه سنایی.
۱۴. دیوان، امیر معزی نیشابوری، ابوالمحمد، تصحیح محمدرضا قنبری، ۱۳۸۵، تهران: زوار.
۱۵. دیوان، انوری ابیوردی، محمد بن محمد، به اهتمام محمد تقی مدرس رضوی، ۱۳۴۷، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۶. دیوان، خاقانی افضل الدین بدیل، تصحیح ضیال‌الدین سجادی، ۱۳۹۱، تهران: زوار.
۱۷. دیوان، خواجوی کرمانی، محمود بن علی، تصحیح احمد سهیلی خوانساری، ۱۳۶۹، تهران: پازنگ.

۱۸. دیوان، رودکی، جعفر بن محمد، براساس نسخه نفیسی و ی. براگینسکی. ۱۳۷۳، تهران: نگاه.
۱۹. دیوان، عبدالواسع جبلی، به اهتمام ذبیح اله صفا، ۱۳۷۸، تهران: انتشارات سنایی.
۲۰. دیوان، عنصری بلخی، ابوالقاسم، تصحیح سیدمحمد دبیر سیاقی. ۱۳۶۳، تهران: موسسه مطبوعات علمی.
۲۱. دیوان، فرخی سیستانی، علی بن جولوغ، تصحیح سید محمد دبیرسیاقی، ۱۳۴۹، تهران: زوار.
۲۲. دیوان، فروغی بسطامی، علی بن موسی، به اهتمام منصور مشفق، تهران: انتشارات هما، بی تا.
۲۳. دیوان، قاسم انوار، علی بن نصیر، تصحیح سعید نفیسی، ۱۳۳۷، تهران: انتشارات سنایی.
۲۴. دیوان، کمال الدین اسماعیل اصفهانی، به اهتمام حسین بحر العلوم، ۱۳۴۸، تهران: انتشارات کتابفروشی دهخدا.
۲۵. دیوان، مجد همگر، تصحیح احمد کرمی، ۱۳۷۵، تهران: نشر ما.
۲۶. دیوان، منوچهری دامغانی، بکوشش سید محمد دبیر سیاقی، ۱۳۴۷، تهران: زوار.
۲۷. سبک خراسانی در شعر فارسی، محجوب، محمد جعفر، تهران: فردوس و جامی، بی تا.
۲۸. سبک شناسی شعر، شمیسا سیروس، ۱۳۷۸، تهران: فردوس.
۲۹. سفینه غزل، انجوی شیرازی، با مقدمه حسین هشترودی، ۱۳۶۲، تهران: انتشارات جاویدان.
۳۰. فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی، جلال الدین، ۱۳۸۹، تهران: انتشارات اهورا.
۳۱. کلیات، سعدی شیرازی، مصلح الدین عبدالله، تصحیح محمد علی فروغی، ۱۳۸۹، تهران: شقایق.
۳۲. کلیات، محتشم کاشانی، علی بن احمد، تصحیح مصطفی فیضی کاشانی، ج ۱، ۱۳۸۹، تهران: انتشارات سوره مهر.
۳۳. محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی، نفیسی، سعید، ۱۳۳۶، تهران: اهورا.
۳۴. واژه نامه هنر شاعری، میر صادقی، میمنت، ۱۳۸۵، تهران: کتاب مهنار.